

سوالات کنکور عربی دوازدهم انسانی - سری ۱

۱- «إِنَّمَا الْفَخْرُ لِلْحُكَّامِ الَّذِينَ يَدْرِكُونَ حَوَائِجَ النَّاسِ وَ يَخْدُمُونَهُمْ خَدْمَةً صَادِقَةً!»:

خارج از کشور - ۱۴۰۱

۱) فقط فخر، برای حاکمان است زیرا حاجت‌های مردم و مشکلات آن‌ها را درک کردم، به آن‌ها خدمت صادقانه می‌کنند!

۲) افتخار فقط برای حاکمانی است که نیازها و مشکلات مردم را درک می‌کنند و به آن‌ها خدمتی صادقانه می‌کنند!

۳) تنها افتخار برای حکام است چه به احتیاجات مردم و سختی‌هایشان واقفند و به آن‌ها با صداقت خدمت می‌کنند!

۴) فخر تنها برای حکمرانانی است که نیازها و سختی‌های مردم را فهمیده‌اند و به آن‌ها با صداقت خدمت می‌کنند!

۲- «لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نُسَافِرَ بِسَيَّارَةٍ قَدْ عَظَلَتْ إِلَّا أَنْ تَصْلُحَهَا تَصْلِيحًا!»:

۱) امکان دارد با ماشینی که خراب است به مسافرت برویم فقط زمانی که تعمیرش کنیم!

۲) نمی‌توانیم با ماشینی که خراب شده مسافرت کنیم مگر اینکه حتماً آن را تعمیر کنیم!

۳) امکان ندارد بتوانیم با ماشین خراب مسافرت کنیم مگر اینکه آن را به خوبی تعمیر کنیم!

۴) می‌توانیم با ماشینی که خراب شده به مسافرت برویم فقط در صورتی که به خوبی تعمیرش کنیم!

۳- «تلك اللبونة البحرية الذكية التي كانت تتكلم مع أصدقاتها بأصوات خاصة استطاعت أن تؤدّي

دورا مهماً في بحثنا البحري!»:

۱) آن پستاندار دریایی باهوش که با صداهایی خاص با دوستانش صحبت می‌کرد توانست نقش مهمی در پژوهش دریایی ما ایفا کند!

۲) آن، پستاندار دریایی باهوشی بود همان‌که با دوستانش با صداهای ویژه‌اش حرف می‌زد، او قادر به ایفای نقشی مهم در تحقیقات دریایی ما بود!

۳) آن، پستاندار دریایی باهوش است که با هموعانش با صوت‌های ویژه خود سخن می‌گفت و توانست در پژوهش ما در دریا نقشی مهم بازی کند!

۴) آن پستاندار دریایی باهوشی که می‌توانست با صوت‌هایی خاص با هموعانش تکلم کند، قادر خواهد بود در تحقیقات ما در دریا نقش مهم داشته باشد!

۴- «هناک شجرةً فی الجنوب تَلْتَفُّ من بداية حياتها حول جذع و غُصون شجرة أُخرى، و هی حیة بهذا الانتفاف!»: خارج از کشور - ۱۴۰۱

۱) آنجا در جنوب تک درختی است که از آغاز زندگی خود پیرامون تنه و شاخه‌های درختی دیگر می‌پیچد، و تنها به وسیله این پیچیدن زنده است!

۲) درختی در جنوب وجود داشت، این درخت از آغاز زندگی خود پیرامون تنه یک درخت دیگر و شاخه‌هایش می‌پیچید و به وسیله آن زنده می‌ماند!

۳) درختی در جنوب وجود دارد که از ابتدای زندگیش دور تنه و شاخه‌های درختی دیگر می‌پیچد، و آن به این پیچیدن زنده است!

۴) آنجا در جنوب تک درختی هست که از شروع زندگیش دور تنه و شاخه‌های یک درخت دیگر پیچیده است، و به سبب این پیچیدن زنده مانده!

۵- عین الصَّحیح عن المفردات: خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) إِنَّه قَرَأَ آلاَفَ الْکُتُبِ وَ هُوَ مِنْ أَهْمَالِ الْکُتُبِ. (مفرد) ← ألف-کاتب

۲) جَاءَ بِهَدَايَا کَثِیرَةٍ وَقَبِلَهَا الْفَقِیرُ بَسْرُورَ. (مترادف) ← اُتی ب- رفض

۳) کُلُّوَعَاءٍ یَضِیقُ بِمَا جَعَلْ فِیهِ إِلَّا وِعَاءَ الْعِلْمِ. (متضاد) ← یتَّسع-الجاهل

۴) ذَهَبْتُ إِلَى أُسْتَاذِی مَعَ صَدِیقَتِی لِنَسْأَلَ سَوَآلَاتٍ کَثِیرَةً. (جمع) ← أُسَاتِذَة - أَصْدَقَاء

۶- عین الصَّحیح: سراسری - ۱۴۰۰

۱) لَا مُجْتَمَعَ یَتَقَدَّمُ أَکْثَرَ مِنْ تَقَدُّمِ الْمُعَلِّمِ فِیهِ: جامعه بیشتر از پیشرفت معلمان پیش نمی‌رود!

۲) کَانَ الْأُسْتَاذُ أَلْقَى مُحَاضَرَةً وَ الطَّلَآبُ اسْتَمَعُوا إِلَیْهِ: استاد سخنرانی می‌کرد در حالی که دانشجویان به او گوش می‌دادند!

۳) لَیْسَ صَحِیحًا أَنَّ أَحَدًا یَظُنُّ أَنَّهَا التَّعَبُ فِی هَذِهِ الدُّنْیَا لَهُ: درست نیست کسی گمان کند که سختی در این دنیا فقط برای اوست!

۴) یَذْهَبُ الْمُتَفَرِّجُونَ إِلَى الْمَلْعَبِ وَ یَجْلِسُونَ عَلَى الْکُرَاسِی کُلَّهَا تَمَاشَا جِیَانِ هَمْکِی بَهِ وَرَزْشَا گاه می‌روند و بر صندلی‌هایشان می‌نشینند!

۷- عین الصّحیح: «مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می کند». سراسری - ۱۴۰۰

- ① تَجْتَهِدُ الأمَّ لتربية أولادها اجتهدًا بالغًا! ② تُحَاوِلُ أمنا في تربية الأولاد اجتهدًا!
③ تَجْتَهِدُ أمنا لتربية أولادها اجتهدًا كثيرًا! ④ تُحَاوِلُ هذه الأم في تربية أولادها كثيرًا!

اقرأ النصّ تالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

في أوائل القرن العشرين كان اللؤلؤ الطبيعي نادرًا و غاليًا و يختصُّ بالكبار و الأغنياء فقط و سعرُ القطعة الصّغيرة منه قد يصل إلى مبالغ كثيرة. ففي عصر الامبراطوريّة الرومانيّة يقال إنَّ قائدًا جهّز كلّ جيشه ببيع قطعة صغيرة ممّا كانت تملكه أمّه! لا يُمكن تعيينُ زمن أوّل استخدام لجوهر اللؤلؤ و الدّر و من كان أوّل مستخدميه من البحر، ولكن نعلم أنّ القبائل القديمة التي كانت تصيد السمك في السواحل الهنديّة كانوا يعرفون أهمّيّته و قيمته في تلك الأيام؛ و الجدير بالذكر أنّ في أيام الامبراطورية البريطانيّة، كان يسمح للعائلة الملكيّة و الأغنياء و الكبار بامتلاك اللؤلؤ لأنفسهم دون الآخرين!

سراسری - ۱۴۰۰

سراسری - ۱۴۰۰

۸- عین الصّحیح:

- ① ظهرت تجارة اللؤلؤ في أوائل القرن العشرين!
② كان الحكّام الرومانيّون أوّل من فهموا قيمة اللؤلؤ!
③ إنّ بائعي الأسماك في المدن كانوا يعرفون قيمة اللؤلؤ!
④ لم يكن موضوع الاستفادة من اللؤلؤ مختصًا بالملوك فقط!

سراسری - ۱۴۰۰

۹- عین الصّحیح عن اللؤلؤ:

- ① مكان اللؤلؤ قرب البحار!
② الهنديّون كانوا أوّل مستخدميه!

③ مقدار اللؤلؤ يساوي عدد أفراد العالم!

④ صيادو السمك في القديم عرفوا قدره قبل الآخرين!

سراسری - ۱۴۰۰

۱۰- عین الموضوع الذی لم يذكر في النصّ:

- ① المختصّون بالاستفادة من اللؤلؤ! ② زمن الاستفادة من اللؤلؤ لأوّل مرّة!
③ قيمة اللؤلؤ قبل القرن العشرين! ④ الجماعات التي استخدمت اللؤلؤ أوّل مرّة!

۱۱- عین الصَّحیح للفراغ: ذکر فی النص عن ... اللؤلؤ. سراسری - ۱۴۰۰

① صعوبة الحصول على

② قيمة

③ كيفية

④ جمال

۱۲- عین الخطأ فی الإعراب والتحليل الصرفي: (۱۳ - ۱۱) سراسری - ۱۴۰۰

«جَهَّز»:

① فعل ماضٍ - له ثلاثة حروف أصلية و حرف واحد زائد، مصدره «تَجَهَّز» من باب تَفَعَّل

② ماضٍ - للغائب - حروفه الأصلية «جهز»، و له حرف واحد زائد، على وزن فَعَّل

③ ماضٍ - حروفه الأصلية «جهز» / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «كُلَّ»

④ فعل ماضٍ - للمذكر الغائب - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

۱۳- «يعرفون»:

① فعلٌ مضارع - للجمع المذكر الغائب - ليس له حرف زائد / فعل و فاعل، و الجملة فعلية

② مضارع - كَلَّ حروفه أصلية و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جملة فعلية

③ مضارع - للجمع المذكر المخاطب / فعلٌ و فاعله «أهميَّة» و الجملة فعلية

④ فعل مضارع - حروفه أصلية كلها / فعل و «أهميَّة» مفعوله

۱۴- «تعيين»:

① اسم - جمع سالم للمذكر / فاعل لفعل «يُمكن»

② مفرد مذكر - مصدر (على وزن تفعيل) - نكرة

③ اسم - مفرد مذكر / مضاف للمضاف إليه «زمن»

④ مصدر (فعلة: «عين» على وزن فَعَّل و له حرف زائد)

۱۵ - «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ، وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»:

خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ۱) پس از برکت رحمت الله با آنان نرم شده‌ای، چه اگر خویی تند داشتی و سنگین دل بودی گمان از پیرامون تو گریخته بودند!
- ۲) پس به برکت رحمتی از الله است که نسبت به آنان نرمش به خرج داده‌ای، زیرا اگر بدخو و سنگدل می‌بودی از اطرافت می‌گریختند!
- ۳) پس با رحمت خداوند است که با آن‌ها نرم‌خو گشته‌ای، و چنانچه بدخو و سنگین دلمی بودی از پیرامون تو پراکنده شده بودند!
- ۴) پس به رحمتی از خداوند با آنان نرم شدی، و چنانچه تندخو و سنگدل قطعاً بودی از اطرافت متفرق می‌شدند.

۱۶ - «ماه‌ها بعد کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات در مزرعه در معرض خورده شدن و تلف

گشتن قرار می‌گیرد!» عین الصحیح:

خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ۱) بعد شهر شاهد المزارع أنَّ الخضراوات بالمزرعة تتعرض للأكل و التلف!
 - ۲) بعد أشهر رأى الفلاح أنَّ خضراوات المزرعة تتعرض للأكل و الإتلاف!
 - ۳) بعد كم شهر شاهد الفلاح أنَّ الخضراوات و هي في المزرعة قد اكلت و تلفت!
 - ۴) بعد بضعة أشهر رأى المزارع في الداخل المزرعة أنَّ الخضراوات قد اكلت و تلفت!
- ۱۷ - عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف:

خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ۱) في يَوْمٍ مِنَ الْيَّامِ شَاهَدَ كِسْرَى فُلَّاحًا عَجُوزًا يَعْزِسُ فَسِيلَةَ جَوْزٍ!
- ۲) بِمِ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَقْفِرُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ!
- ۳) أَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ وَ لَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ!
- ۴) سَتُشَاهِدُ مَشَاكِلَ جَدِيدَةً فِي الْبَيْتَةِ مُشَاهِدَةً مُؤَلِّمَةً!

۱۸ - عین التأكيد يكون للجملة بأجمعها:

خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ۱) لَا يَأْكُلُ الْحَسَدُ إِلَّا الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ!
- ۲) إِنَّ أَكْرَهَ الْأَعْمَالِ هُوَ أَنْ تَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّفَرُّقَةِ!
- ۳) شَجَعَ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ تَشْجِيعًا!
- ۴) إِنَّمَا الْإِنْسَانُ نَائِمٌ فَإِذَا مَاتَ انْتَبَهَ!

۱۹- عین المنادی: خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ① متجرى یقع فى شارعٍ مُزدحمٍ، و هذا الأمرُ أنفعُ لى!
 - ② متجرى جهّزته لیأتى الناسُ إليه و يأخذون ما يحتاجون!
 - ③ متجرى صیّرته جميلًا لتجذب كثيرًا من الذين یمرّون بك!
 - ④ متجرى جعلته مكانًا لبيع أنواع السراويل بأسعار رخيصة!
- ۲۰- عین الأنسب للمفهوم: الصبر في الامور بمنزلة الرأس من الجسد»

سراسری - ۱۴۰۲

- ① که صبر است و زر چاره کارها
 - ② صبر کردن جان تسبیحات تست
 - ③ اِنِّی رأیت و فی الاّیام تجربه
 - ④ و قَلَّ مَنْ جَدَّ فی أمرٍ یطالبه
- ۲۱- عین ما فيه كلمة تُزيل الإبهام عن جملة ما قبلها:

سراسری - ۱۴۰۲

- ① تَسعى القطة أن تُخفى نفسها عَنّا، ولكنّها ما كانت تعلم أنّنا نرى ذنبها!
 - ② أراد الحُجاج صعود جبل النور، لعلّهم يشاهدون «غار حراء»!
 - ③ يا ليتنا نستطيع أن نرى تلك الظّاهرة الغريبة «أمطار السمك»!
 - ④ يُحبّ الوالدان أولادهما مع أنّهم لا يساعدونهما!
- ۲۲- عین ما لیس فيه «الحال»:

سراسری - ۱۴۰۲

- ① إنّ الفأر یسكن داخل الأرض و عدوّه القطة تعيش فوق الأرض!
- ② التلميذ أعطى صديقه الكتاب و حاجته إليه أكثر من صديقه!
- ③ إذا اختلط التُّراب بالماء و أصبح طينًا یُستخدم فی البناء!
- ④ هل رأیت حتّى الآن ذلك المتشائم و هو یبتسم!

۲۳- «یا اُمّ! أَنْتِ نَفْسُ الرَّسَامَةِ الَّتِي قَدْ رَسَمْتَ آلَافَ الصُّورِ فِي قَلْبِي وَ رُوحِي مُنْذُ الصَّغَرِ؛ وَ يَا أَبِي! أَنْتَ مَنْ يَدْعُونِي إِلَى الصَّدَقِ فِي الْعَمَلِ!»:

سراسری - ۱۴۰۲

۱) مادر! تو صورتگری هستی که از زمان کودکی هزاران صورت بر قلب و روح من نقاشی کرده‌ای؛ و پدر! تویی که مرا به درست عمل کردن دعوت می‌کنی!

۲) ای مادر! تو نقاشی هستی که از کودکی خود هزاران تصویر بر قلب من و روح من رسم کردی؛ و ای پدر! تو کسی هستی که من را به راستی در کار فرا می‌خواند!

۳) مادر! تو همان صورتگری که هزاران نقاشی از کودکان بر قلب و جان خود نقاشی کرده است؛ و تو ای پدر! کسی هستی که من را به درستی در کار دعوت می‌کنی!

۴) ای مادر! تو همان نقاشی هستی که از کودکی هزاران تصویر در قلب و روح من رسم کرده است؛ و ای پدر! تو کسی هستی که مرا به درستی در عمل فرا می‌خواند!

۲۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ: سراسری - ۱۴۰۲

۱) لَا صَيَّادَ هُنَاكَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَسْتَخْرِجَ اللَّوْلُؤَ مِنْ مِيَاهِ نَهْرٍ صَغِيرٍ: هیچ صیادی نیست که بتواند از آب‌های رودی کوچک مروارید استخراج کند!

۲) إِنَّ عَدَدَ أَسْنَانِ الْكَلْبِ لَيْسَ أَكْثَرَ مِنْ اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ سَنًّا: تعداد دندان‌های سگ بیش از بیست و چهار دندان نیست!

۳) لَيْتَنِي كُنْتُ أَقْدِرُ إِرضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا: شاید بتوانم همه مردم دنیا را راضی کنم!

۴) إِنَّ الْعَالَمَ يَسْعَى أَنْ يَغْلِبَ عَقْلُهُ جَهْلَهُ: عالم سعی می‌کند که با عقل خود بر جهل چیره شود!

۲۵- «قَدْ نَقَرْنَا قِسْمًا قَلِيلًا مِنْ كِتَابِ تَتَصَقَّحُهُ، وَ هُوَ وَ إِنْ كَانَ قَلِيلًا وَلَكِنَّهُ يُؤَثِّرُ فِي أَنْفُسِنَا تَأْثِيرًا»:

خارج از کشور - ۱۴۰۱

۱) گاهی قسمتی اندک از کتاب را ورق زده می‌خوانیم و آن درحالی که کم است، ولی حتماً در درونمان اثر می‌گذارد!

۲) گاه قسمت اندکی از کتابی را که ورق می‌زنیم می‌خوانیم، و با اینکه آن اندک است اما در درونمان اثر فراوان دارد!

۳) گاه قسمتی اندک از کتاب را درحالی که ورق می‌زنیم، می‌خوانیم که آن اگرچه اندک است اما بی‌گمان در درون ما اثر دارد!

۴) گاهی قسمت اندکی از کتابی را که آن را ورق می‌زنیم، می‌خوانیم و آن اگرچه اندک است ولی قطعاً در درون ما اثر می‌گذارد!

۲۶- عین غیر المناسب فی المعادل:

خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① أ يَكُونُ أَجْمَعُ مِنْ نَمَلَةٍ ← صرفه جوتر از مورچه هست؟!
- ② خَيْرَ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا ← اندازه نگه دار، که اندازه نکوست!
- ③ أَكَلْتُمْ ثَمَرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي ← نمک خورد و نمکدان شکست!
- ④ مَنْ صَارَ صَيْدًا أَكَلَهُ الصَّيَّادُ ← هر که هید شد، خوردنش واجب است!

۲۷- عین «يقفز» يوضح ما قبله:

خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① هذا السنجاب يقفز من هذه الشجرة إلى ذلك الشجرة!
- ② بحثتُ عن سنجاب يقفز من شجرة إلى شجرة بسرعة!
- ③ رأيت ذلك السنجاب يقفز بسرعة من هنا إلى هناك!
- ④ كان سنجاب يقفز على الأشجار في الغابة بسرور!

۲۸- عین ما لم يذكر فيه المستثنى منه:

خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① لا تأكل أسماك الزينة إلا الفرائض الحية!
- ② لا يوجد في الطبيعة حيوان أبكم إلا الزرافة!
- ③ لا يقدر الناس أن يصعدوا الجبل إلا الأقوياء!
- ④ لا تقدر الحيوانات اللبونة على الطيران إلا الخفاش!

۲۹- «يتفكرون في خلق السماوات والأرض، ربنا ما خلقت هذا باطلاً»:

سراسری - ۱۴۰۱

- ① در آفریدن آسمان و زمین فکر می کنند، خدای ما این ها را بی هدف نیافریدی!
- ② در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند، خداوند این را بیهوده خلق نکردی!
- ③ در آفریدن آسمان و زمین تفکر می کنند، یعنی که خدایا این را باطل نیافریده ای!
- ④ می اندیشند که آسمان ها و زمین را خلق کرد، ای خدای ما این ها را برای باطل خلق کرده ای!

۳۰- «تبتدی المدرسة بتعليم الكتب، ولكن الحياة تبدأ بالامتحان ثم تدرس الدروس!»:

سراسری - ۱۴۰۱

۱) مدرسه را با یاد گرفتن کتاب‌ها شروع می‌کنند، اما زندگی مان با امتحان شروع شده سپس درس‌ها داده می‌شوند!

۲) مدرسه با یاد گرفتن کتاب‌ها شروع شده، اما ما در زندگی امتحان را آغاز می‌کنیم سپس درس‌ها داده می‌شوند!

۳) مدرسه را با آموختن کتاب‌ها شروع می‌کنیم، ولی زندگی با امتحان شروع می‌شود سپس درس‌ها را می‌دهند!

۴) مدرسه با آموزش کتاب‌ها شروع می‌شود، ولی زندگی با امتحان آغاز می‌کند سپس درس‌ها را می‌دهد!

۳۱- «الكتب تجربة الأمم و ثمرة آلاف من الأفكار و تزيد قوة فهم و درك الإنسان و تُربّي مفكرين فضلاء!»:

سراسری - ۱۴۰۱

۱) کتاب‌ها تجربهٔ اُمّت‌ها و ثمرهٔ هزاران نوع اندیشه است و با آن نیروی دریافت و درک انسان افزون می‌شود و مفکرین اندیشمندی پرورش می‌دهد!

۲) کتب تجربهٔ ملّت‌ها و میوهٔ هزاران اندیشه‌ایست که قوّت دریافت و ادراک انسان به آن زیاد می‌شود و مفکران فاضل را پرورش می‌دهد!

۳) کُتب تجربهٔ اُمّت‌ها و ثمرهٔ هزاران نوع فکر هستند و بر قوّت فهم و ادراک انسان می‌افزایند و متفکرین اندیشمند را می‌پرورانند!

۴) کتاب‌ها تجربهٔ ملّت‌ها و میوهٔ هزاران فکر هستند و نیروی فهم و درک انسان را زیاد می‌کنند و متفکران فاضلی را می‌پرورانند!

۳۲- عین الخطأ:

سراسری - ۱۴۰۱

① تسمى كل مادة قابلة للاشتعال الوقود، الذي يستخدمه الإنسان للطبخ أكثر: هر مادة قابل اشتعالی را سوخت می نامیم، و انسان آن را بیشتر برای پختن به کار می برد.

② نحن ننتفع اليوم بالطاقة الكهربائية و الطاقة الشمسية كالوقود: امروزه ما از انرژی الکتریکی و انرژی خورشیدی به عنوان سوخت بهره مند می شویم.

③ و لا يزال الإنسان يكشف ما يُسهّل شؤون حياته: و انسان همواره آنچه که امور زندگی را آسان می کند، کشف می کند.

④ فليس بعيداً أن نجد طاقاتٍ أخرى تصبح مصدراً حديثاً: پس بعید نیست که انرژی های دیگری را بیابیم که منبع جدیدی بشوند!

۳۳- «کیست آن که خورشید را در فضا چون شراره ای ایجاد کرده است!». عین الصحیح:

مرجع سراسری - ۱۴۰۱

① من هو الذي خلق الشمس في الفضاء مثل الشررة!

② من ذا الذي أوجد الشمس في الجو مثل شررة!

③ من الذي أوجد شمساً في الفضاء كالشررة!

④ من هذا الذي خلق شمساً في الجو كشررة!

أَنَّ عملاً صالحاً واحداً يصدر عن إنسان لا يدلّ على أنّه امرؤ فاضل، لأنّ الخير في النّاس مفروض وجوده خلقاً لا تخلّصاً! فمن كان خلقه فاضلاً انعكست أخلاقه على أفعاله فلا تخلو أعماله آثار الخير. إنّ النّفم الميالة إلى الخير و السّباقة إلى المكرّمات لا يسهلّ لها ارتكاب السوء بل تحبّ أن تبذل بيدها ما ينفع النّاس، أطلّبه النّاس أم لا، وسواء إنتشرت أخبار خيالاته أم لا! لأنّه ربّي نفسه على حبّ الخير.

و في هذا المجال تشاهد المؤمنین الذين يعملون الخير أبعضهم ينظرون إلى عملهم نظرة التّجار فيريدون به اكتساب الرّيح فيطلبون الجنّة، و بعض الآخرين منهم يخافون الإفلاس و الضّرر فيجتنبون نار جهنّم؛ ولكن هناك جماعة منهم، و أن كان عددهم قليلاً، لكنهم يفعلون الخير فضلاً لا تفضلاً، فمصدر حسناتهم قلوبهم المؤمنة!

۳۴- عین الصحيح: «الغرض من اللّص هو» سراسری - ۱۴۰۱

① تقبیح السيئات و تجميل الحسنات.

② تشجيع الناس بالقيام بالخيرات ولو مرة.

③ غرس شجرة الحسنات في قلب الإنسان.

④ تبیین غایات الخیر و الشرّ فی أفعال الإنسان.

۳۵- عین ما ليس مقصودا من العبارة التالية: «إنَّ الخیر فی الناس مفروض وجوده خلقاً لا تخلقاً»

مرجع سراسری - ۱۴۰۱

① لا فائدة في سبيل إكراه الآخرين على القيام بالحسنات فإنّها تحتاج إلى أرض صالحة.

② أثر أعمال الخير يجب أن يظهر في ظاهر الإنسان و خلقته.

③ بذور الخير إن لم تكن في ترابك فلا تنمر ثمرات نضرة.

④ ربّما تُجبر نفسك على الخير فلا لذة فيه.

۳۶- عین ما ليس مصدر تشجيع بعض المؤمنين على القيام بالخير: سراسری - ۱۴۰۱

① الشهرة بين الناس ② الحصول على الثواب

③ الخوف من النار ④ خالص وجودهم

۳۷- عین ما لا يناسب مفهوم النص: سراسری - ۱۴۰۱

① لا ترض من الناس غشیر طباعهم و طبعته!

② إن زهرة واحدة تفتّح في وقت لا يدلّ على حلول الربيع!

③ فلتفعل النفس الجميل لأنه خير و أحسن، و الإله يحبّه!

④ إذا مرّ بي يوم و لم أأخذ يدًا و لم أستقد علماً، فما ذاك من عمري!

۳۸- عین الخطاء في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲) سراسری - ۱۴۰۱

① ماضٍ - للمفرد المؤنث الغائب - مزيد ثلاثي بزيادة حرفين / فعل و فاعله «أخبار»

② فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث - مزيد ثلاثي (من باب أنفعال) / فعل و فاعله «أخبار»

③ ماضٍ - للغائبة - مزيد ثلاثي (له حرفان زائدان) - لازم / فعل فاعله: جملة فعلية

④ فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (من باب افتعال) - لازم / فعل و فاعله «أخبار» و الجملة فعلية

۳۹- «نُشاهد»:

سراسری - ۱۴۰۱

۱) فعل مضارع - ماضیه «شاهد» علی وزن فاعل - متعدّد - معلوم / فعل و مع فاعله جمله فعلیه

۲) مضارع - مزید ثلاثی بزیادة حرف واحد من باب مفاعلة / فعل و مفعوله «المؤمنین» منصوب بالياء

۳) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - متعدّد - معلوم / فعل و مع فاعله جمله فعلیه، و «المؤمنین» مفعوله

۴) مضارع - للمتكلم مع الغير - مزید ثلاثی (من باب مفاعلة) / فعل و فاعله «المؤمنین» و الجملة فعلیه

۴۰- «المیّالة»:

سراسری - ۱۴۰۱

۱) مفرد مؤنث - معرفّ بأل - معرب / منصوب بالتبعية

۲) مفرد مؤنث - اسم مبالغة - معرفّ بأل / صفة و الموصوف «النفس»

۳) اسم - مفرد مؤنث - اسم مبالغة - معرفّ بأل - معرب / خبر «إنّ» و مرفوع

۴) اسم - مؤنث - معرفّ بأل - معرب / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «النفس»

۴۱- عینُ الخطأ ما يعادل المفهوم:

سراسری - ۱۴۰۱

۱) «لن تنالوا البرَّ حتّٰی تنفقوا ممّا تحبّون» - «روغن ریخته را نذر امامزاده کردن!

۲) «نحن نرزقکم و إیّاهم» - «هرآن کس که دهند انده ندهند!»

۳) «إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم» - «نیک را پاسخ جز نکو نیست!

۴) «وإذا مروا باللغو مروا کراماً» - «شتر دیدی ندیدی!

۴۲- عینُ اسما علامة رفعه «الألف»:

سراسری - ۱۴۰۱

۱) لا یصل عددُ أسنان الطّفل إلى عشرين سنّاً إلا بعد سنتین من عمره!

۲) استفاد المهندسون أكثر من عشرة أطنان من الدّینامیت لشقّ القنوات!

۳) إنّ السّکوت ذهبٌ و الكلام فضةٌ، إنّهما مفیدان فی وقتّهما!

۴) تأثیر أوزان الأشعار فی بلاغة الأبیات للشعریّة کثیر!

۴۳- عین الصَّحیح فی بناء المجهول: سراسری - ۱۴۰۱

① عوض البائع اللباس لی أمس ← عوضاً للباس لأمس!

② أغلق التلميذ باب الصف بهدوء ← أغلقاً بالصف بهدوء!

③ يُرشد الشرطي المواطنين فی الشوارع ← يُرشد المواطنين فی الشوارع!

④ يستعمل ركاب السيارت حزاماً لأماناً للسلامة ← يستعمل حزاماً لأماناً للسلامة!

۴۴- عین الصَّحیح الفراغات: «یا.....، زمیلک فی المصاعب، و یا»

راقب صديقک فی کلّ حال! سراسری - ۱۴۰۱

① صديق - ساعدين - زميل

② صديقي - ساعدي - زميل

③ صديق - ساعد - زميل

④ صديق - ساعد - زميلي

۴۵- عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف: سراسری - ۱۴۰۰

① إِنَّ الإِمْتَحانات تُساعدُ الطُّلابَ لِتَعَلَّمَ دُرُوسِهِمْ، فَلْيَعَلِّمُوا ذَلِكَ.

② لِلدُّلْفينِ ذاكِرةٌ قَوِيَّةٌ وَ سَمْعُهُ يَفوقُ سَمْعَ الإنسانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.

③ إِنَّ الكُتُبَ طَعَامُ الفِكرِ، وَ لِكُلِّ فِكرٍ طَعَامٌ، كَمَا تَوْجَدُ أَطْعَمَةً لِكُلِّ جِسمٍ.

④ فِي يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ شَاهَدَ المُعَلِّمُ جَماعَةً مِنَ المُسافِرِينَ واقِفِينَ أَمامَ مَسْجِدِ القَريةِ.

۴۶- عین الصَّحیح فی الترجمة: «كثيرٌ من النَّاسِ لا يَفكِّرونَ أَكثَرَ مِنْ مَرَّتَيْنِ أو ثَلاتِ مَرَّاتٍ سَنوياً،

ولكنَّ العُلَماءَ لا يَضَيِّعونَ أوقاتَهُمْ وَ يَفكِّرونَ دائِماً!» خارج از کشور - ۱۴۰۰

① اکثر مردم بیشتر از دو بار یا سه بار فکر نمی کنند، ولی علماء اوقاتشان را ضایع نکرده در طول سال، همیشگی اندیشند!

② بسیاری از مردم سالانه بیش از دو یا سه بار نمی اندیشند، اما دانشمندان اوقات خود را تلف نمی کنند و همیشه تفکر می کنند!

③ کثیری از مردم هستند که سالیانه بیش از دو سه دفعه فکر نمی کنند، ولی عالمان زمان خود را تلف ننموده اند و دائماً در تفکر هستند!

④ مردم بسیاری هستند که در سال بیشتر از دو یا سه بار اندیشه نمی کنند، ولیکن اندیشمندان زمان را تباه نمی کنند و دائماً فکر می کنند!

۴۷- عین الصَّحیح:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① قد نُعوّد أنفسنا عملاً جيّداً و سيّئاً: گاهی خودمان به کار خوب یا بدی عادت می‌کنیم.
 ② و يُصبح تَغْيِيرُهُ كدَاءٍ لا معالجةَ له: و تغییر دادنش گاهی مثل بیماری‌ای است که درمان ندارد.

③ و نُجذبُ إليه لا عن عَزَم: و درحالی که تصمیمی بر آن نداریم بسوی ما کشیده می‌شود.

④ و نعمله ونحن غافلون عنه!: و آن را انجام می‌دهیم درحالی که از آن غافل هستیم!

۴۸- عین الخطا المفهوم:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① الصَّحْفَى: من يقرأ الصحيفة اليومية دائماً!
 ② المصحف: يُقال لكتاب كُتِبَ فيه كلامٌ خاصٌّ!
 ③ الصحيفة: مجموعة من الأوراق التي تنتشر يومياً!
 ④ الصحف: فيها أخبار متعدّدة و غيرها حسب سياسة الصحيفة!

۴۹- عین ما فيه المفعول المطلق النوعی:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① مدح الشاعر الجنّة مدحا جيّداً و نال جائزة!
 ② رأيتُ حادثاً جديداً في مدينتنا عندما كنتُ أمشي هناك!
 ③ لا تعمّر حکمةً بالغةً عمراً إلّا في قلب الإنسان المتواضع!
 ④ شاهدتُ سمكاً عجيباً يعيش في الغلاف دون الماء و الطّعام!

۵۰- عین أسلوب الاستثناء معناه الحصر:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

WWW.20SHOO.IR

- ① ما اشتري والدي شيئاً من المتجر الكبير إلّا نوعاً من الفاكهة
 ② ما أعاني أحدٌ في مشاكل الحياة إلّا الله الذي خلّني فيرحمني دائماً!
 ③ ما شكر أكثرُ النَّاسِ نعمةَ الله عليهم إلّا الذين يعرفون أنّها من جانبه!
 ④ ما استطاع أن يذهب إلى الحجّ هذا العام إلّا الحجاج الذين كانوا مستطيعين!

۵۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَرَوْهُ لَا يَسْتَطِيعُ الظَّالِمُونَ أَنْ يَنْهَبُوهَا، وَلَا حَاجَةٌ لَهُ إِلَى حَارِسٍ يَحْرُسُهُ!»:

سراسری - ۱۴۰۰

۱) تنها علم ثروت است، ستمکاران نمی‌توانند غارتش کنند، و هیچ نیازی نیست که نگهبانی از آن حراست کند!

۲) ثروت واقعی علم است، ظالمان نمی‌توانند علم را غارت کنند، و نیازی ندارد که نگهبانی از آن نگهبانی کند!

۳) علم فقط ثروتی است که ظالمان توانائی ندارند غارتش کنند، و نیاز به نگهبانی که از آن نگهداری کند وجود ندارد!

۴) علم تنها ثروتی است که ستمکاران نمی‌توانند آن را به یغما برند، و هیچ نیازی به نگهبانی که از آن محافظت کند ندارد!

۵۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «دَعِ مِنَ الذُّكْرِيَّاتِ مَا يَزْعِجُ قَلْبَكَ وَ يَجْعَلُكَ خَائِبًا، لِأَنَّهَا تَمْنَعُكَ مِنَ التَّقَدُّمِ!»:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) فروگذار آنچه را که دلت را آزرده می‌سازد از خاطرات ناامیدکننده، زیرا مانع پیشرفت تو می‌شود!

۲) از خاطرات آنچه را که دلت را آزرده می‌کند و تو را ناامید می‌سازد رها کن، زیرا آن‌ها تو را از پیشرفت باز می‌دارد!

۳) از خاطرات آنچه که قلبت را آزرده می‌سازد و ناامید می‌کند، ترک کن، زیرا مانعی برای پیشرفت تو می‌شود!

۴) ترک کن آنچه را که قلبت را آزرده می‌کند و خاطراتی که ناامید می‌گرداند، زیرا تو را از پیشرفت باز می‌دارد!

۵۳- عین الصحيح: خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① إِنْ عَزَمْتُمْ أَنْ تَعْمَلُوا خَيْرًا حَصَلْتُمْ عَلَى طَرِيقِهِ حُصُولًا : اگر تصمیم بگیرید کار خوبی انجام دهید مسلماً راه آن را می یابید!
- ② الْغُشْلُ قَدْ يُعَلِّمُنَا دُرُوسًا لَا تَتَعَلَّمُهَا مِنَ النَّجَاحِ: قطعاً از شکست درس هاییمی آموزیم که آنها را از موفقیت نمی آموزیم!
- ③ مَا كَانَ يَحْضُرُ ذَلِكَ التَّلْمِيزَ فِي الصَّفِّ وَهُوَ مَرِيضٌ: آن دانش آموز که مریض بود در کلاس حاضر نشده بود!
- ④ لَا تُصَنَّعُ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ إِلَّا مِنْ زَيْتٍ فِي كَبِدِ الْحَوْتِ: مواد آرایشی را فقط از روغن کبد نهنگ می سازند!

۵۴- عین الخطا فی ضبط حركات الحروف: خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① إِنَّهُ رَجُلٌ صَادِقٌ وَ مُحْتَرِمٌ، فِي يَوْمٍ شَاهَدَ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ الْمَسْجِدِ!
- ② لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ!
- ③ تَبَدُّأُ الْأَسْعَارِ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَادِينَ أَلْفًا!
- ④ ذَهَبَ وَمَثَالُهُمْ عَنْ سَبَبٍ وَقُوفِهِمْ، فَقَالُوا إِنَّ سَيَّارَتَنَا مُعْطَلَةٌ!

۵۵- «لا تقل ما لا علم لك به، رُبَّمَا يَسَبِّبُ لَكَ مَشَاكِلَ وَ تَنْدُمُ عَلَيْهِ؛ فَلَا بُدَّ أَنْ تَسْكُتَ!»:

سراسری - ۱۴۰۱

- ① آنچه را که به آن هیچ علمی نداری مگو، چه بسا باعث مشکلاتی برایت شود و از آن پشیمان شوی، پس ناچار باید ساکت شوی!
- ② از آنچه که بدان علمی نداری حرف نزن، چه بسیار سبب مشکلات برای تو می شود و از آن پشیمان شده؛ مجبور به سکوت شوی!
- ③ راجع به چیزی که هیچ علمی بدان نداری حرف نزن، بسیار مشکلات برایت می آورد؛ و از آن نادم شده ناگزیر سکوت خواهی کرد!
- ④ چیزی را که نسبت به آن علمی نداری مگو، مشکلات بسیاری را سبب می شود پس پشیمان خواهی شد؛ و چاره ای جز سکوت نخواهی داشت!

۵۶- عین الخطأ:

سراسری - ۱۴۰۱

① المرء القویّ يعمل و الضعیف یتمنی: انسان نیرومند، عمل می‌کند و انسان ضعیف آرزو می‌کند!

② الحیاة بلا عمل کثقل یمله الإنسان علی نفسه: زندگی بدون عمل چون بار سنگینی است که انسان آن را بر خود تحمیل می‌کند!

③ علینا أن نكون نقادین للكلام حتی نأخذ كلمة الحقمن أي شخص: ما باید از نقدکنندگان سخن باشیم تا سخن حق را از افراد گرفته باشیم!

④ المعرفة كالشجرة لا تصغر يوماً بعد يوم بل تنمو کلّیوم: معرفت چون درخت است که روز به روز کوچک نمی‌شود بلکه هر روز رشد می‌کند!

۵۷- عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف:

سراسری - ۱۴۰۱

① عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ!

② فِي إِيْرَانِ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ، بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْظِ!

③ قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ عَلَى إِلَيَّ مَادُبَةً فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا!

④ تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنِيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا!

۵۸- عین الصّحیح للفراغات: «... من الصّعب ... تُحِبُّ صَدِيقَكَ حُبًّا ... مِنْ الصّعب ... تَجِدُ الصَّدِيقَ الَّذِي يَسْتَحِقُّ هَذَا الْحُبَّ!»

سراسری -

۱۴۰۱

① أَنْ، أُنْ، وَكَانَ، أَنْ ② إِنْ، أُنْ، لَيْسَ، أَنْ

③ لَيْسَ، إِنْ، لَيْتَ، إِنْ ④ لَيْسَ، أُنْ، وَ لَكِنْ، أَنْ

۵۹- عین ما لیس فی الحصر:

سراسری - ۱۴۰۰

① لَا تَزِيدُ التَّجَارِبُ فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا بِالْأُمُورِ!

② لَا يُعْجِبُنِي أَحَدٌ إِلَّا الْمَهَاجِمُ الَّذِي يَسْجُلُ الْهَدَفَ!

③ لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَ هَذَا الْجَبَلِ الْمُرْتَفِعِ إِلَّا الْأَشْخَاصُ الْأَقْوِيَاءُ!

④ لَا تَبْلَعُ سَمَكَةَ السَّهْمِ إِلَّا الْحَشْرَةُ الَّتِي تَسْقُطُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ!